



نتایج اولیه کاوش باستان‌شناسی تل سوزو گناوه، بوشهر

محمد حسین عزیزی خرائقی^۱

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۵۱ - ۳۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱
شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.6.19.33

چکیده

مطالعات باستان‌شناسی در سواحل شمالی خلیج فارس در مراحل اولیه است؛ و هرچند دهه‌هاست چنین مطالعاتی در این منطقه آغاز شده، ولی وقفه‌های طولانی و ممتد منجر به عدم دستیابی به نتایج قابل اتکاء در دوره‌های مختلف شده است. این موضوع در دوره پیش از تاریخ حادث‌تر و مشخص‌تر است. عدم انتشار نتایج پژوهش‌های صورت پذیرفته نیز منجر به تشدید این معضل شده است؛ هرچند محدوده مورد نظر این پژوهش از لحاظ بررسی‌های باستان‌شناسی دارای موقعیت خوبی است، ولی متأسفانه نتایج بررسی‌ها نیز به خوبی منتشر نگردیده است. مطالعه در سواحل شمالی خلیج فارس امروزه صرفاً یک موضوع پژوهشی صرف نیست، بلکه با توجه به هجمه‌ها و جعل‌های تاریخی صورت گرفته، امروزه وظیفه‌ای پژوهشی است. مطالعات صورت گرفته در این منطقه نشان داده که حداقل از حدود هفت هزار سال پیش اقوام ساکن در ایران، در سواحل شمالی خلیج فارس سکونت داشته و امکان بهره‌برداری از دریا را نیز داشته‌اند، و هرچند در دوره‌های اولیه این استقرار به صورت فصلی بوده، ولی از هزاره چهارم پیش از میلاد با توجه به شواهد معماری خشتی شناسایی شده، روستاها و سپس شهرهای دائمی در منطقه ایجاد شده است و در دوره تاریخی و اسلامی نیز این مناطق به صورت کامل مسکونی شده است. دریا علاوه بر تأمین مواد غذایی نقش بسیار حیاتی در روابط تجاری از هزاره پنجم و چهارم پیش از میلاد تاکنون در این منطقه بازی کرده که در مطالعات باستان‌شناسی منطقه می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. محوطه تل سوزو گناوه بوشهر یکی از محوطه‌های پیش از تاریخی منطقه است که با توجه به شواهد فرهنگی شناسایی شده از کاوش در ترانشه لایه نگاری این محوطه از اواسط هزاره پنجم تا اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد مسکونی بوده است. ساکنان این محوطه با نواحی داخلی منطقه فرهنگی فارس و جنوب غرب ایران ارتباط داشته و از منابع دریایی نیز بهره‌مند بوده‌اند.

کلیدواژگان: خلیج فارس، کاوش باستان‌شناسی، تل سوزو، دوره باکون میانه، دوره لپویی.

۱. استادیار باستان‌شناسی، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.
m.azizi@richt.ir

مقدمه

با این که سال‌ها از کاوش‌های باستان‌شناختی در سواحل شمالی خلیج فارس می‌گذرد و با توجه به مطالعات صورت‌گرفته در این حوزه، هنوز مشکلات عمده‌ای در توالی گاه‌نگاری دوره‌های استقرار در این منطقه وجود دارد. هم‌چنین تصویر واضح و روشنی از چگونگی زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی مردمان پیش‌ازتاریخ با توجه به پژوهش‌های محدود و پراکنده، موجود نیست. بر مبنای مطالعات باستان‌شناختی که از سالیان دور در این بخش از ایران صورت‌گرفته، بیشتر ادوار فرهنگی، تاریخی و اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات گسترده و دامنه‌دار در شهر تاریخی-اسلامی سیراف (بختیاری، ۱۳۵۳؛ توفیقیان، ۱۳۹۳، اسماعیلی جلودار، ۱۳۸۷؛ Whitehouse, 1974)، آثار باشکوه کاخ‌های هخامنشی (سرفراز، ۱۳۵۰؛ ۱۳۸۵؛ یغمایی، ۱۳۸۳؛ ۱۳۸۴؛ ابراهیمی، ۱۳۸۶؛ کریمی‌ان و همکاران، ۱۳۸۹) و محوطه‌ی ایلامی لیان (تُل پی‌تُل)، (پزار، ۱۳۸۴)، نشان‌دهنده‌ی استقرارهایی طولانی‌مدت و سکونت گروه‌های انسانی در این بخش از ایران بوده که روابط تجاری گسترده‌ی دریایی را با مناطق مختلف جهان متمدن آن روز از دوران تاریخی تا اسلامی پایه‌ریزی کرده است. شواهد این رابطه‌ی تجاری دریایی با مناطقی هم‌چون: سواحل جنوبی خلیج فارس، چین، هند و سواحل آفریقا غیرقابل انکار است (سرفراز، ۱۳۵۰؛ ۲۳؛ اسماعیلی جلودار، ۱۳۸۷؛ ۳۹۰). اقلیم خشک، رودخانه‌های شور و فصلی، گرما و رطوبت بالای هوا در اغلب ماه‌های سال، و پوشش گیاهی اندک، شرایطی هستند که به شدت سکونت گروه‌های انسانی را در دوران پیش‌ازتاریخ در این منطقه با موانع جدی مواجه کرده بوده‌اند. هم‌اکنون نیز با وجود پیشرفت‌های عظیم فناوری، تابستان در این خطه طاقت‌فرسا است. طی بررسی‌های باستان‌شناسی صورت‌گرفته توسط «توفیقیان» و «کارتر» محوطه‌های چندی مربوطه به دوره‌ی پیش‌ازتاریخ و هزاره‌ی پنجم پیش‌ازمیلاد، شناسایی شد (Carter et al, 2006). پژوهش‌های محدودی در معرفی فرهنگ‌های هزاره‌ی پنجم پیش‌ازمیلاد، در این منطقه صورت‌گرفته و برخی از این محوطه‌ها و ویژگی‌های فرهنگی آنان معرفی شده است (عزیزی خرنقی، ۱۳۹۹). در این راستا کاوش‌های محدودی نیز صورت‌گرفته است، کاوش محوطه‌ی چهار روستایی، محوطه‌ای متعلق به هزاره‌ی پنجم پیش‌ازمیلاد، در روستای چهار روستایی در نزدیکی شهرستان گناوه صورت‌گرفته است (عزیزی خرنقی و همکاران، ۱۳۹۳). کاوش‌های باستان‌شناسی صورت‌گرفته در این محوطه منجر به شناسایی فرهنگ‌های دوره‌ی باکون و روابط فرهنگی این منطقه با منطقه‌ی فرهنگی فارس شد.

با توجه به اهمیت شناخت تعاملات منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای سواحل شمالی خلیج فارس در هزاره‌ی پنجم پیش‌ازمیلاد، و تبیین تعاملات فرهنگی این منطقه به‌عنوان جنوبی‌ترین محوطه‌ی گسترش فرهنگ باکون با چشم‌اندازی متفاوت نسبت به ارتفاعات فارس، کاوش محوطه‌ی سوزو در سال ۱۳۹۵ ه.ش.، صورت‌پذیرفت (عزیزی خرنقی، ۱۳۹۵) که منجر به شناسایی فرهنگ‌های هزاره‌ی پنجم (باکون) و هزاره‌ی چهارم (لپویی) پیش‌ازمیلاد، در این محوطه شد که در ادامه بدان خواهیم پرداخت. مهم‌ترین هدف این کاوش شناسایی توالی فرهنگی این محوطه و شناخت شاخصه‌های فرهنگی این محوطه در ادوار پیش‌ازتاریخ بود.

پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش: پرسش‌های پژوهش عبارتند از: ۱- قدیمی‌ترین شواهد استقراری تُل سوزو مربوط به چه دوره‌ای است؟ ۲- توالی استقراری سوزو چگونه است؟ ۳- آیا شواهدی از فرهنگ‌های پیش‌ازتاریخ فارس در مناطق جنوبی ایران در استان بوشهر قابل شناسایی است؟ ۴- آیا ساکنان پیش‌ازتاریخی سوزو امکان بهره‌برداری از منابع دریایی را داشته‌اند؟

بر همین اساس فرضیه‌ها چنین طرح می‌شوند: ۱- قدیمی‌ترین شواهد فرهنگی استقراری در تُل سوزو مربوط به هزاره‌ی پنجم پیش‌ازمیلاد است. ۲- تُل سوزو با توجه به شواهد مادی شناسایی شده و هم‌چنین ضخامت لایه‌های استقراری دارای دو دوره‌ی فرهنگی باکون و لپویی است. ۳- فرهنگ‌های

پیش از تاریخ فارس کاملاً در سواحل شمالی خلیج فارس در استان بوشهر رواج داشته‌اند. ۴- شواهد استخوانی به دست آمده از کاوش‌های تل سوزو نشان‌دهنده بهره‌برداری ساکنین این محوطه از منابع دریایی است.

روش پژوهش: در این پژوهش از دو روش میدانی و کتابخانه‌ای استفاده شده است؛ بدین صورت که طی یک فصل کاوش میدانی شواهد فرهنگی و مستندات باستان‌شناختی جمع‌آوری و سپس با مطالعه منابع مکتوب و کتابخانه‌ای و گزارش‌های آرشیوی، پیشینه پژوهشی و مطالعاتی منطقه مورد بررسی و نمونه‌های مقایسه‌ای مورد تطبیق قرار گرفت.

تل سوزو

تل سوزو در استان بوشهر، شهرستان دشتستان، بخش شبانکاره، روستای خلیفه قرار دارد (تصویر ۱). این محوطه در تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۸ به شماره ۱۷۱۱۲ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. مساحت عرصه این تپه براساس شواهد موجود حدود دو هکتار و ارتفاع آن از زمین‌های اطراف حدود ۴ متر است. این تپه در روستای خلیفه‌ای، شهرستان دشتستان در استان بوشهر قرار دارد و یکی از معدود محوطه‌های دارای لایه‌های پیش از تاریخی در استان بوشهر است که شواهد سطحی نشان‌دهنده وجود حداقل فرهنگ‌های هزاره‌های پنجم (باکون) و چهارم (لپویی) پیش از میلاد، در این محوطه است. خوشبختانه با وجود تخریب گسترده و هرساله‌ای که با انجام شخم به منظور کشاورزی بر روی این تپه صورت می‌گیرد، هنوز ضخامت نهشته‌های فرهنگی آن



تصویر ۱. موقعیت جغرافیایی تل سوزو، استان بوشهر (واحد نقشه پژوهشکده باستان‌شناسی).

به اندازه‌ای است که می‌توان امیدوار بود که با کاوش در این محوطه، بسیاری از پرسش‌های باستان‌شناسی پیش‌ازتاریخ حوزه فرهنگی جنوب فارس و شمال خلیج فارس پاسخ داده شود. در راستای مطالعات فرهنگ‌های پیش‌ازتاریخ سواحل شمالی خلیج فارس، نگارنده با همکاری کارشناسان باستان‌شناس اداره استان بوشهر و با مطالعه بررسی‌های باستان‌شناسی که تاکنون در این منطقه صورت پذیرفته، به معرفی محوطه‌های پیش‌ازتاریخی هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد، بوشهر پرداخته است (عزیزی خرنقی و همکاران، ۱۳۹۹). شش محوطه پیش‌ازتاریخی، چهار روستایی، تل چغابور، تل سوزو، تل نصرک، تل قاشی و تهماچی (تصویر ۲)، از محوطه‌های شاخص این دوره هستند که دو محوطه از این میان، چهار روستایی و سوزو، توسط نگارنده مورد کاوش باستان‌شناسی قرار گرفته‌اند که در ادامه به معرفی دستاوردهای کاوش در تل سوزو (تصویر ۳) پرداخته می‌شود. کاوش در محوطه‌های پیش‌ازتاریخی سواحل شمالی خلیج فارس در این بخش می‌تواند کمک شایانی به پررنگ کردن حضور تاریخی اقوام ایرانی در این بخش نماید و سندی بر اوراق هویتی خلیج فارس بیفزاید. از سوی دیگر مطالعات موجود نشان‌دهنده این است که فرهنگ‌های باکون در هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد، در این نواحی حضور داشته‌اند، ولی متأسفانه به دلیل عدم انجام مطالعات باستان‌شناختی در محوطه‌های دارای لایه‌های فرهنگی در این منطقه، چگونگی ارتباط این فرهنگ‌ها با نواحی مرکزی خویش، یعنی نواحی داخلی حوزه فرهنگی فارس به خوبی شناخته شده نیست، که انجام کاوش در تل سوزو می‌تواند به برخی از این پرسش‌ها پاسخ دهد؛ بدین منظور کارگاه A (ترانشه) در مرکز و بالای تپه ایجاد و کاوش گردید.

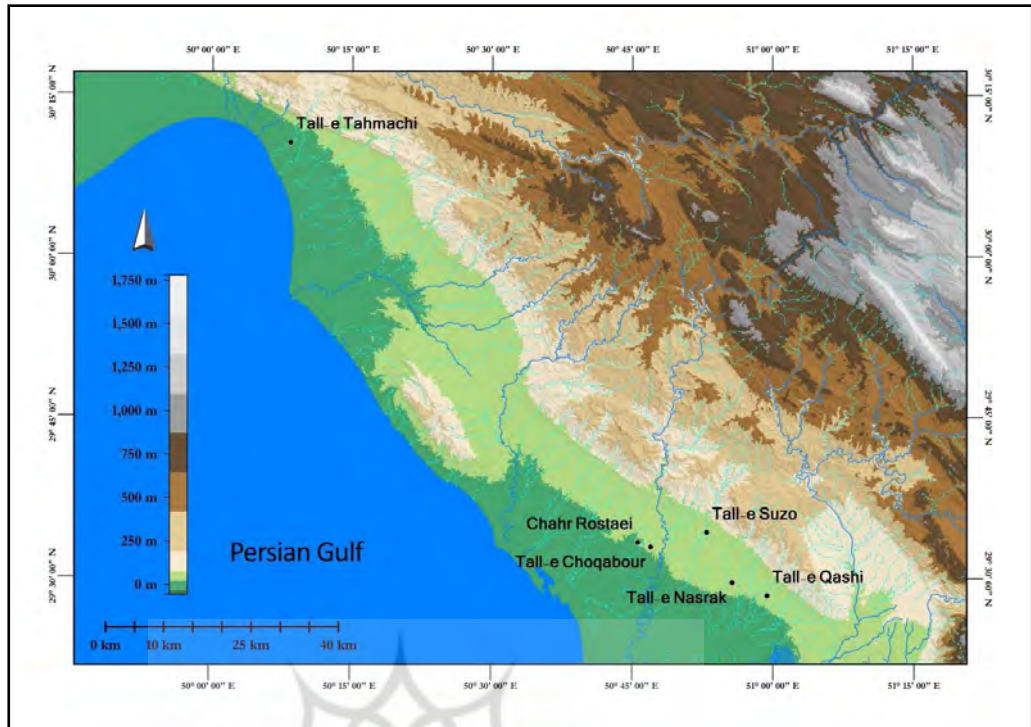
کارگاه A

به منظور مطالعه توالی فرهنگی و شناخت بهتر بافت استقرار این محوطه، کارگاه A بر بالای تپه‌ای به ابعاد ۴×۴ متر مورد کاوش قرار گرفت (تصویر ۴). این نکته لازم به ذکر است که در سالیان گذشته حدود یک و نیم متر از لایه‌های فوقانی این محوطه توسط کاوشگران غیرمجاز به صورت کامل با بولدوزر از روی سطح تپه جمع‌شده و مواد فرهنگی به صورت گسترده‌ای در اطراف آن پراکنده شده‌اند. این کارگاه در جهات اصلی جغرافیایی ایجاد و مورد کاوش قرار گرفت. کاوش در کارگاه A را می‌توان در دو مرحله موردتوجه قرار داد. از لایه سطحی تا کانتسکت ۱۰۱۷، کاوش در همان ابعاد ۴×۴ متر ادامه یافت، ولی به دلیل وجود سازه معماری امکان ادامه کاوش در همان ابعاد وجود نداشت و تصمیم گرفته شد که در گوشه شمال غربی سازه مذکور گمانه پیشرو به ابعاد ۱/۵×۱/۵ متر کاوش گردد. ضخامت نهشته‌های فرهنگی کاوش‌شده در این کارگاه ۵/۸۰ متر و کاوش با شناسایی کانتسکت ۱۰۳۶ (خاک بکر) در این کارگاه متوقف شد.

ادوار فرهنگی شناسایی شده در تل سوزو

- دوره باکون میانه (هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد)

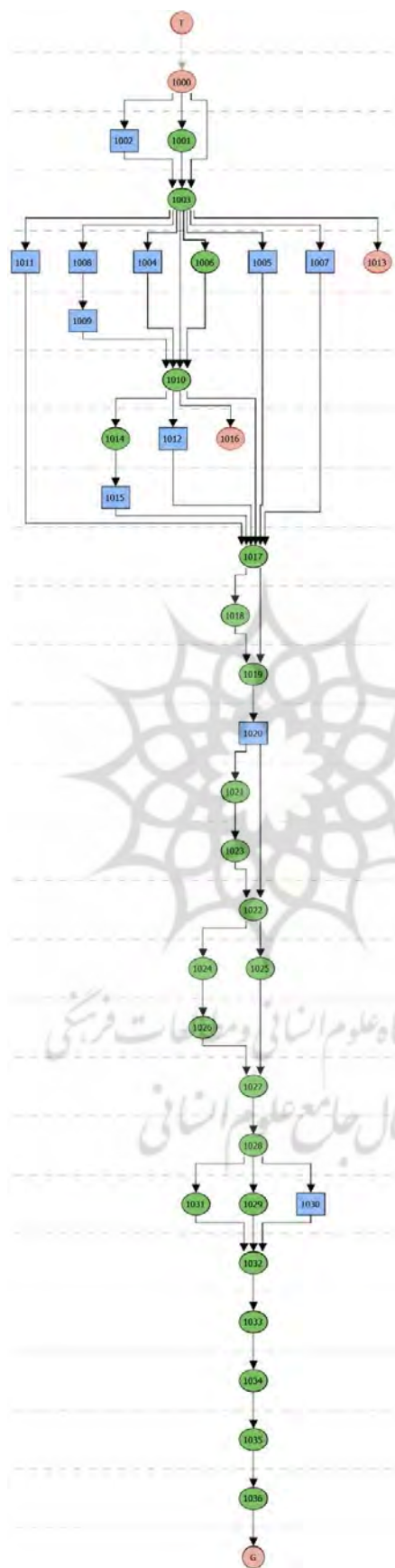
کانتسکت‌های ۱۰۳۶ تا ۱۰۱۶ معرف این فرهنگ در تل سوزو هستند (تصویر ۴). قطعات سفال‌های عموماً نخودی منقوش و چرخ‌ساز شاخصه سفال‌هایی است که از کاوش در این لایه‌ها شناسایی شده‌اند. نقوش عموماً هندسی و در موارد اندکی نیز نقوش انتزاعی حیوانی و انسانی شناسایی شده است (تصویر ۵). براساس مطالعات مقایسه‌ای می‌توان این آثار را به دوره فرهنگی باکون میانه تاریخ‌گذاری کرد. به صورت کلی می‌توان سفال‌ها را به دو دسته کلی نخودی ساده (Simple Buff) و سفال‌های نخودی منقوش (Black on Buff) تقسیم‌بندی کرد که هرکدام به سه بخش ظریف، متوسط و خشن تقسیم شده‌اند. سطح ظروف به خوبی صاف و صیقلی شده و رنگ نقش آن‌ها از قهوه‌ای روشن متمایل به قرمز تا سیاه متغیر است. نقوش روی سفال‌ها تنوع چندانی ندارد، و



تصویر ۲. پراکنش محوطه‌های پیش‌اتاریخی (هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد) در سواحل شمالی خلیج فارس در استان بوشهر (واحد نقشه پژوهشکده باستان‌شناسی).



تصویر ۳. نمای کلی تل سوزو (نگارنده، اسفند ۱۳۹۵).

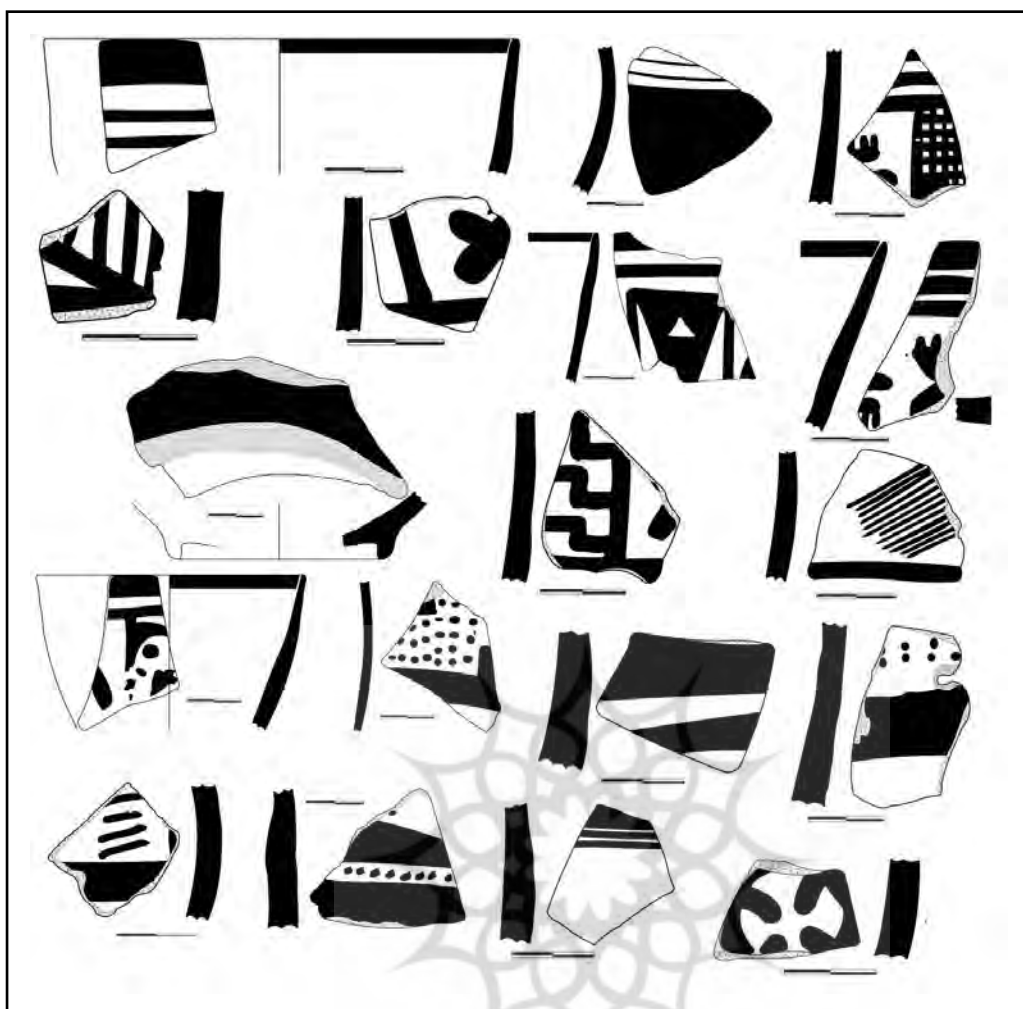


تصویر ۴. نمودار هریس کارگاه (ترانشه) A تل سوزو (نگارنده، ۱۳۹۵).

برخی به صورت زیگزاک با نقش منفی هستند. از دیگر نقش مایه‌ها، نقوش لوزی شکلی است که با طرح‌های سه‌گوش پیر شده که در دوره باکون بسیار رایج است (تصویر ۶). استفاده از این سبک بر روی سفال‌های سوزو رواج دارد. گل سفال‌ها به خوبی ورز داده شده و آمیزه آن‌ها بیشتر شن بسیار نرم است. با توجه به شیوه استفاده شده، سفال‌ها در کوره‌های پیشرفته تولید شده و عموماً دارای پخت مناسبی هستند. نکته جالب این‌که در این مجموعه سفالی برخی نمونه‌ها در اثر حرارت زیاد کاملاً از حالت اصلی خود خارج شده و تقریباً ذوب شده‌اند که یکی از دلایلی است که برای تولید محلی سفال مطرح می‌شود. فرم سفال‌های این دوره متنوع و شامل لیوان‌های بلند، کاسه‌های کوچک و بزرگ دهانه‌باز، خمره‌های کوچک و فنجان می‌شود. به جز کاسه‌های دهانه‌باز، نقش در یک سوم فوقانی سطح خارجی ظروف ایجاد شده است. در بین سفال‌ها، سفال‌های با آمیزه گاه که جزو سفال‌های خشن طبقه‌بندی می‌شوند، وجود دارد. این دسته از سفال‌ها از لحاظ فرم دارای بدنه‌ی کرووی هستند که به نظر می‌رسد در کوره باز و با حرارت پایین پخته شده‌اند، این دسته از سفال‌ها را می‌توان به عنوان ظروف آشپزخانه‌ای طبقه‌بندی کرد. سفال‌های نخودی منقوش (Black on Buff or Red on Buff) به دست آمده از لایه‌های فرهنگی این محوطه قابل مقایسه با دیگر محوطه‌های کاوش شده، معرف فرهنگ باکون (Petrie, 2011, 2013: 127-128)، تل گپ مروشدت (Egami & Sono, 1962)، تل نخودی پاسارگاد (Goff, 1964; 1969)، تل نورآباد ممسنی (Potts & Roustaie, 2006; Weeks et al., 2006)، تپه رحمت‌آباد (عزیزی خرنقی،



تصویر ۵. نمونه‌هایی از سفال‌های دوره باکون میانه تل سوزو گناوه، بوشهر، کارگاه A (نگارنده، ۱۳۹۷).



تصویر ۶. نمونه‌هایی از طرح‌های سفال‌های دورهٔ باکون میانۀ تل سوزو گناوه، بوشهر، کارگاه A (نگارنده، ۱۳۹۷).

۱۳۸۶؛ عزیزی خرنقی و همکاران، ۱۳۹۱؛ ۱۳۹۳؛ Bernbeck et al., 2005; Azizi Kharanaghi et al., 2013)، تل میان‌رود دشت ابرج (زارع و ابوالاحرار، ۱۳۸۹)، تپه مهرعلی اقلید (سرداری زارچی، ۱۳۹۰؛ ۱۶-۱۳؛ Sardari et al., 2011: 13-16)، تل پیر (Askari Chaverdi et al., 2008)، تل بشی (Pollock et al., 2010) و محوطه‌های هم‌دورهٔ تنگ بلاغی (کریمی، ۱۳۹۳؛ Helwing & Seyedin, 2007; 2010)، تپه مَش کریم سیمیرم (سرداری زارچی و طاهری، ۱۳۹۴؛ طاهری، ۱۳۹۴) و محوطهٔ چهار روستایی گناوه (عزیزی خرنقی، ۱۳۹۵؛ ۷۲) هستند.

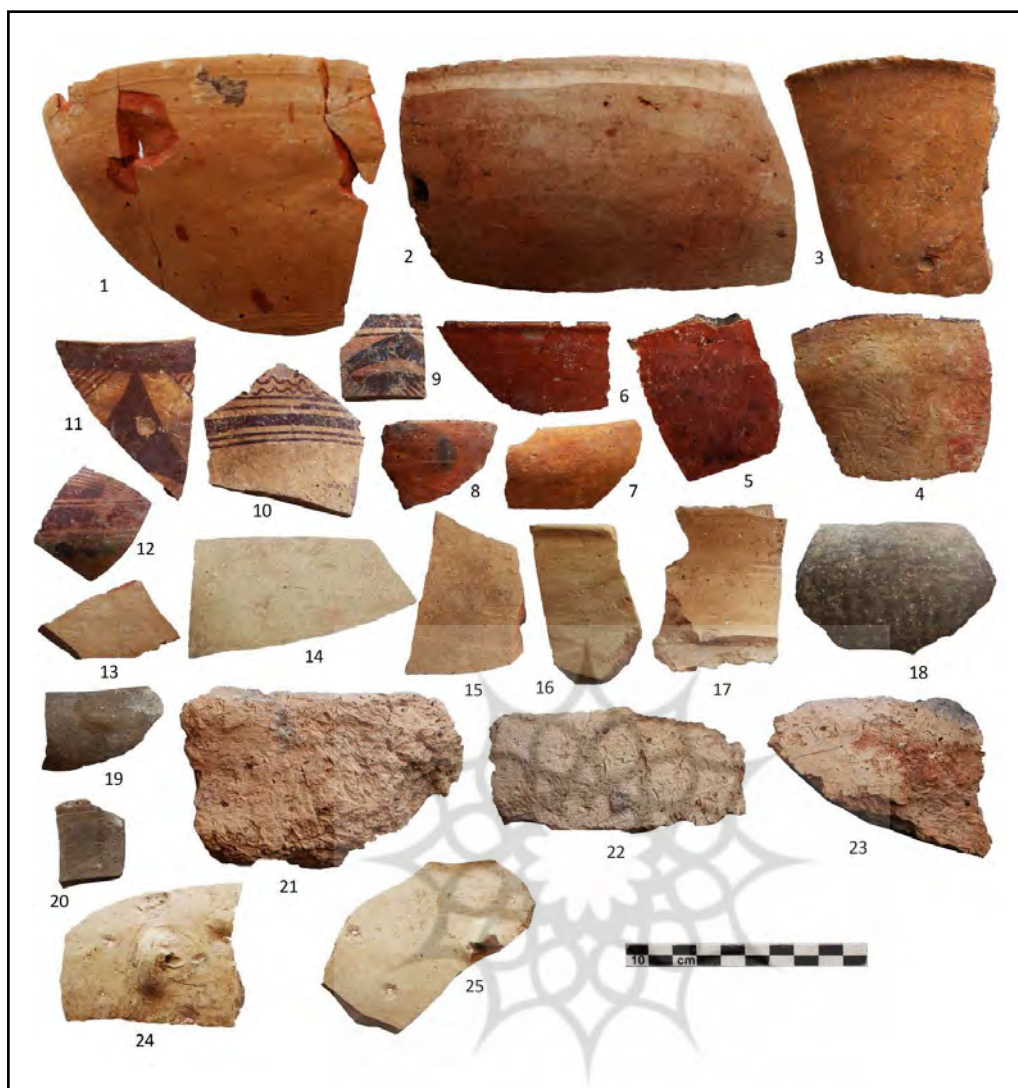
دورهٔ لپویی (۳۴۰۰-۳۹۵۰ پ.م.)

نخستین بار سفال‌های قرمز صیقلی از کاوش‌های تل باکون به دست آمد (Schmidt, 1939: 123; Langsdorff & McCown, 1942: 24-60; Egami & Masuda, 1962: 1-4). نام‌گذاری این دوره به لپویی که برگرفته از روستایی در مرودشت است، توسط «واندنبرگ» در پی ارائهٔ توالی گاه‌نگاری فارس (Vanden Berghe, 1954) صورت گرفت. «سامنر» نیز در بررسی‌های خود در حوضهٔ رود کر از سطح ۱۰۱ محوطه سفال‌های قرمز لپویی را شناسایی کرد (Sumner, 1972: 41) و به تبیین سازمان‌های اجتماعی-سیاسی (Sumner, 1986) و تحلیل الگوهای استقرار (Sumner, 1988) این

دوره پرداخت. «گاج» نیز در بررسی‌های دشت تخت جمشید و شیراز، ۱۸ محوطه را با سفال لپویی شناسایی کرد (Gotch, 1968: 168-170). طی کاوش‌های «آلدن» در لایه‌های تحتانی تل کوره نیز سفال‌های دوره لپویی به دست آمد (Alden, 2003). هم‌چنین طی بررسی‌های منطقه ممسنی، ۱۳ محوطه (Potts & Rustaei, 2006; Weeks et al., 2006) و کاوش‌های تل نورآباد و تل اسپید (Potts & Rustaei, 2006; Petrie et al., 2007; Petrie et al., 2013)، بررسی منطقه اقلید، هشت محوطه و کاوش‌های تپه مهرعلی (سرداری زارچی، ۱۳۹۰؛ ۱۳۹۲؛ Sardari et al., 2011) نهشته‌های فرهنگی این دوره مورد کاوش قرار گرفت. طی بررسی‌های صورت‌گرفته در منطقه بوانات نیز هفت محوطه با سفال‌های نوع لپویی شناسایی شد (خانی‌پور، ۱۳۹۴). تاکنون دانسته‌های ما از دوره لپویی اندک است؛ بیشتر تحلیل‌ها براساس بررسی‌های سطحی انجام گرفته و به جز تپه مهرعلی که در آن نهشته‌های دوره لپویی به نسبت درمقیاس خوبی کاوش شده (سرداری زارچی، ۱۳۹۰؛ Potts & Rustaei, 2011؛ Sardari et al., 2011) در دیگر محوطه‌ها از جمله تل نورآباد و تل اسپید (Alden, 2003) در مقیاس بسیار کم کاوش شده‌اند که با توجه به این موضوع نمی‌توان به درستی به تحلیل ساختارهای این دوره پرداخت.

با توجه به داده‌های استقرار به دست آمده از حوضه رود کر، سامنر متوجه یک سری شواهد مبنی بر وجود سیر نزولی پیوسته در نحوه استقرارهای مربوط به هزاره چهارم پیش از میلاد، (پایان دوره باکون) تا اواخر هزاره سوم پیش از میلاد، (آغاز دوره کفتری) در منطقه گردید. وی اذعان نمود که این الگو حاصل مشاهده یک سیر نزولی پیوسته و یکنواخت تولیدی در نظام کشاورزی منطقه بوده و دلیل عمده آن را بایستی در نمک‌زارهای منطقه جست؛ هرچند که به عقیده سامنر این شیب مشاهده شده در استقرارها نمی‌تواند در اثر کاهش پیوسته نزولی در جمعیت منطقه باشد، ولی در عین حال می‌توان چنین استدلال نمود که این روش کاهشی در نتیجه نوعی دگرگونی تدریجی از اقتصاد معیشتی برپایه کشاورزی آبی در دوره باکون باشد تا نوعی اقتصاد برپایه دام‌پروری عشایری در دوره بانس. علاوه بر این، وی عقیده دارد که ازدیاد گروه‌های عشایری تا پیدایش تسلط و نفوذ سیاسی و اقتصادی در مرحله آغازیلامی برخاسته از نوعی سازماندهی در ارتفاعات، جدید و متمایز است. سیاست‌های قبیل‌ای دربردارنده هر دو عنصر غیرمتحرک و کوچ‌رو هستند که برخی اوقات به صورت تقسیم شده و گاهی به شکل اتحادیه‌ای منسجم زیر لوای خان‌های قبایل اداره و رهبری می‌شد (Sumner, 1986: 209).

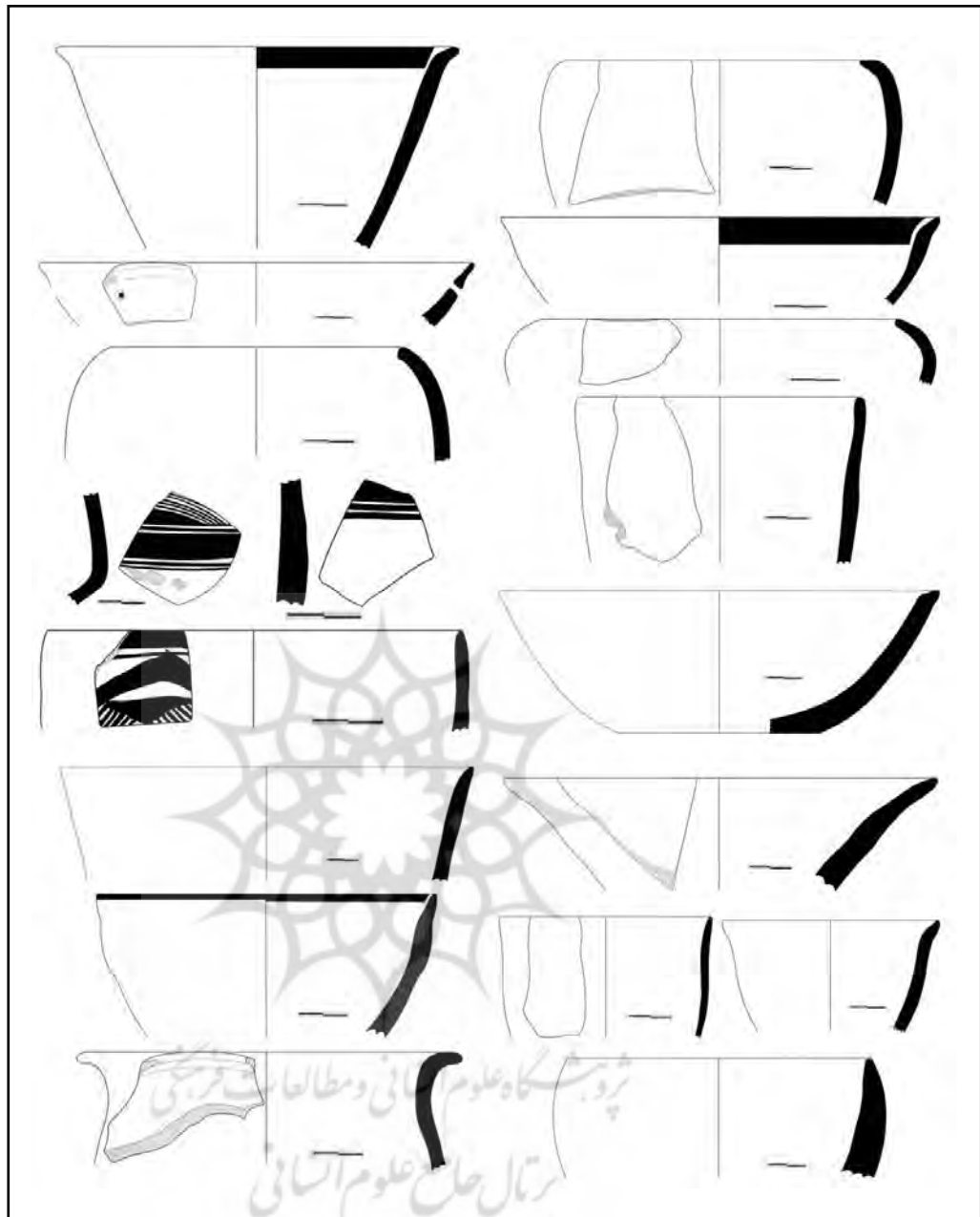
با توجه به این‌که دوره لپویی بین دو دوره باکون (که به عقیده اکثر پژوهشگران در این دوره پیچیدگی‌های سیاسی-اقتصادی شکل گرفته) و دوره بانس (که هم‌زمان با تحولات عظیم در مناطق گسترده‌ای و همچنین شکل‌گیری حکومت‌های اولیه) قرار دارد، درمورد ساختارهای دوره لپویی به ندرت بحث شده است. این درحالی است که بررسی ساختارهای این دوره می‌تواند تداوم فرهنگی از دوره باکون به دوره بانس و یا گسست فرهنگی دوره بانس را تبیین نماید. درحقیقت بررسی این دوره تا حدودی می‌تواند منشأ تحولات دوره بانس را که تا چه اندازه بر اثر محرک‌های خارجی بوده و یا در پی تداوم و توسعه فرهنگی در منطقه شکل گرفته، نشان دهد. سامنر معتقد است، درواقع تمام عناصر یک مرکز بزرگ که در شهر ملیان درطول دوره بانس پدیدار گردیده بود؛ مانند رشد بی‌سابقه تولید صنعتی مازاد بر نیاز جمعیت بومی ساکن، استفاده از گل نبشته‌های آغازیلامی، استفاده از هنر مهرسازی، جابه‌جایی ثروت و نیروی کار برای پروژه‌های ساخت‌وساز چون دیوار شهری، همگی نشان از یک سلسله تحولات پیچیده و اتفاقات سیاسی-تجاری دارد که در مرحله مهم دوره پیشین، یعنی همان دوره لپویی رخ داده است (Sumner, 1986: 209) که به عقیده اکثر محققین این دوره از ۳۹۵۰ پ.م. شروع می‌شود، اما طی کاوش‌های تل اسپید پایین‌ترین لایه



تصویر ۷. نمونه‌هایی از سفال‌های دورهٔ لپویی تل سوزو گناوه، بوشهر، کارگاه A (نگارنده، ۱۳۹۷).

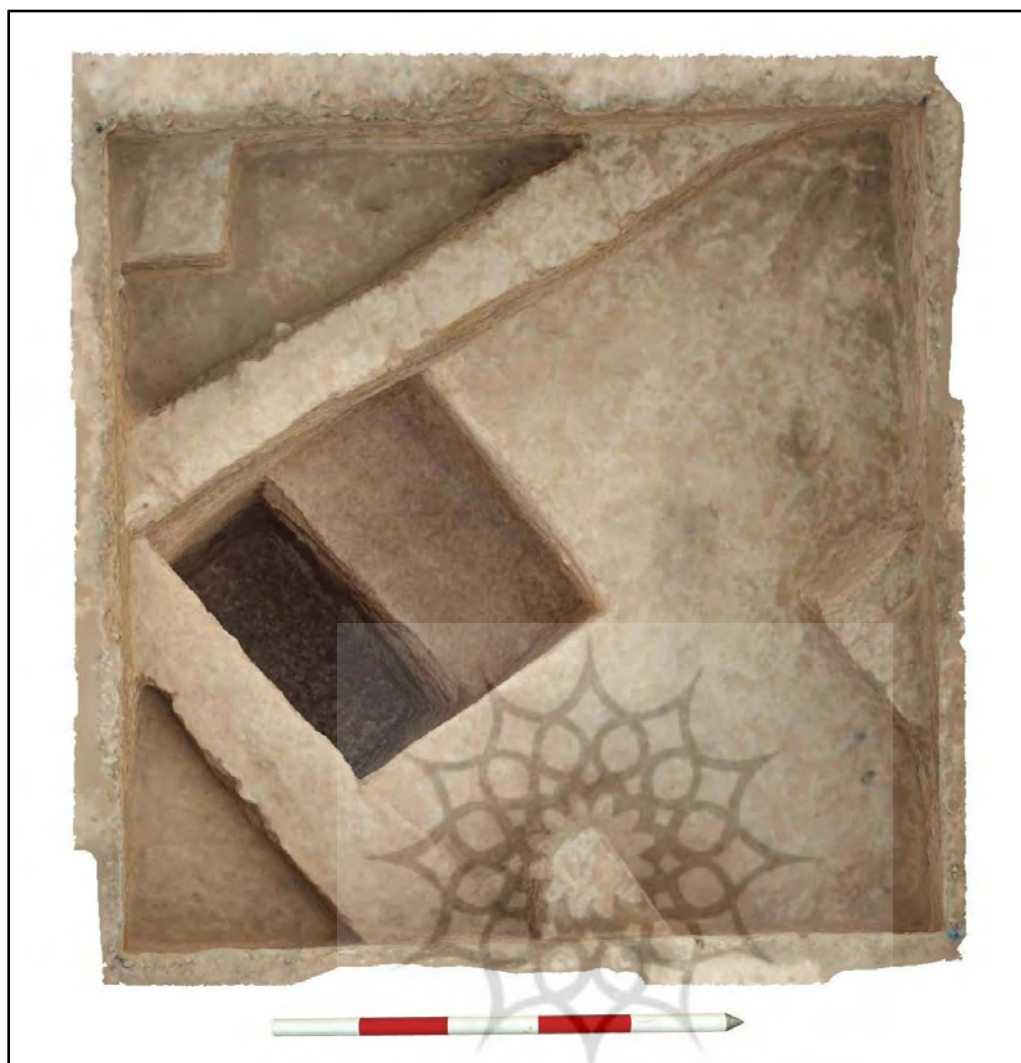
دارای تاریخ ۳۹۸۰ پ.م. بوده که به عقیدهٔ «پتری» با توجه به نرسیدن به خاک بکر احتمالاً شروع دورهٔ لپویی تاریخی قدیمی‌تر دارد (Petrei et al., 2013). سامنر براساس یافته‌های سطحی این دوره را به سه زیرمرحله تقسیم می‌کند.

سامنر سفال‌های دورهٔ لپویی را به دو دستهٔ کلی ظریف و معمولی تقسیم‌بندی کرد. از آنجا که این تقسیم‌بندی براساس یافته‌های سطحی صورت گرفته، نیاز است تا براساس سفال‌های به‌دست‌آمده از کاوش‌ها این تقسیم‌بندی مورد بازنگری قرارگیرد. سفال‌های ظریف دارای خمیرهٔ یک‌دست قرمز یا نخودی با پخت کافی بوده که خمیرهٔ نخودی دارای پوشش گلی غلیظ قرمز است و سطح آن صیقلی یا داغ‌دار است. فرم سفال‌های ظریف شامل جام‌های زنگی شکل یا استوانه‌ای، کاسه‌های دهانه‌باز و خمیره‌های دهانه‌بسته یا گردن‌کوتاه است. سفال معمولی لپویی دارای خمیرهٔ قرمز زنگ همراه با ذرات شن بوده که مغز آن اغلب خاکستری است. سطح سفال به‌طور یکنواختی هموار شده و در برخی صیقلی یا داغ‌دار شده است. فرم ظروف تاحدودی مشابه نوع ظریف بوده و در برخی موارد مانند خمیره‌های دهانه‌بسته و کف‌های حلقوی متمایز شده است. فرم‌های آن شامل ساغر‌ها، کاسه‌های دهانه‌باز، کاسه با لبهٔ متمایل به داخل و کوزه‌هایی با لبهٔ برگشته به بیرون است (Sumner, 1972: 40-42).



تصویر ۸. نمونه‌هایی از طرح‌های سفال‌های دورهٔ لپویی تل سوزو گناوه، بوشهر، کارگاه A (نگارنده، ۱۳۹۷).

همان‌گونه‌که اشاره شد، تقریباً تمامی اطلاعات باستان‌شناسی دورهٔ لپویی از مناطق شمالی و مرکزی منطقهٔ فارس گزارش شده و تاکنون کمتر از نواحی جنوبی این منطقه و سواحل شمالی خلیج فارس، این فرهنگ معرفی شده است؛ به هرروی، کانتکست‌های ۱۰۰۰ تا ۱۰۱۴ معرف این فرهنگ در تل سوزو هستند (تصویر ۴) و علاوه بر سفال، معماری خشتی راست‌گوشه‌ای (تصویر ۹) نیز از این دوره در سوزو شناسایی شده است که برای شناخت کارکرد بهتر آن نیاز به گسترش فضای کاوش و آزادسازی بخش بیشتری از معماری مذکور هستیم. سفال‌های متنوع و گوناگونی با فرم‌ها و اشکال مختلف از این دوره شناسایی شده که به صورت کلی می‌توان آن‌ها را در شش گروه تقسیم کرد (تصویر ۸):



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- ۱- سفال‌های چرخ‌ساز قرمز ساده صیقلی و در مواردی با نقوش داغ‌دار، که سفال‌های رایج این دوره هستند و از پخت مناسبی برخوردار بوده و فرم غالب آن‌ها کاسه‌های دهان‌باز است (تصویر ۷، شماره‌های ۱ تا ۸).
- ۲- سفال‌های چرخ‌ساز قرمز منقوش، که نقوش هندسی در بخش بیرونی ظرف به صورت خطوط موازی و متقاطع و اشکال هندسی مثلثی شکل ایجاد شده، و فرم سفال‌ها نیز علاوه بر کاسه، لیوان را نیز شامل می‌شود (تصویر ۷: شماره‌های ۹ تا ۱۲).
- ۳- سفال‌های نخودی ساده چرخ‌ساز که فرم غالب آن خمره‌های کوچک و کاسه‌های بزرگ است (تصویر ۷: شماره‌های ۱۳ تا ۱۷).
- ۴- سفال خاکستری دست‌ساز که با نقوش داغ‌دار تزئین شده که فرم غالب آن، کاسه‌های دهانه‌بسته است. نمونه‌های اندکی از این‌گونه در مجموعه سفال‌های هزاره چهارم پیش از میلاد سوزو دیده می‌شود (تصویر ۷: شماره‌های ۱۸ تا ۲۰).
- ۵- سفال‌های دست‌ساز خشن آشپزخانه‌ای با آمیزه کاه و پخت نامناسب که بیشتر کاسه‌های بزرگ دهانه‌باز را دربر می‌گیرند و علائم حرارت دیدگی نامتناسب در سطوح بیرونی آن‌ها قابل مشاهده است (تصویر ۷: شماره‌های ۲۱ تا ۲۳).

۶- دو نمونه سفال نخودی چرخ‌ساز دسته‌دماغی شاخص فرهنگ آغازیلامی نیز در مجموعه سفالی این دوره در سوزو شناسایی شد (تصویر ۷: شماره‌های ۲۴ و ۲۵). وجود این اثر بیانگر ارتباط فرهنگی سوزو با مناطق جنوب‌غربی در دوره آغازیلامی است. متأسفانه دیگر گونه‌های سفالی شاخص این دوره از جمله کاسه لبه‌واریخته در کاوش‌های صورت‌گرفته شناسایی نشد و برای درک بهتر تحولات آغازیلامی و نقش سوزو در آن، نیاز به کاوش‌های گسترده‌تر در این محوطه است.

نتیجه‌گیری

فصل نخست کاوش‌های باستان‌شناسی در تل سوزو گناوه بوشهر منجر به شناسایی فرهنگ‌های هزاره پنجم (باکون میانه) و هزاره چهارم (لپویی) پیش‌ازمیلاد، در ۲۸ کیلومتری شمالی سواحل خلیج فارس شد. فصل نخست کاوش در محوطه مذکور با هدف تعیین عرصه و حریم و لایه‌نگاری در زمستان سال ۱۳۹۵ ه.ش.، صورت پذیرفت. در این کاوش یک کارگاه به ابعاد ۴×۴ متر در مرکز و بالای تپه مورد کاوش قرار گرفت. ضخامت لایه‌های فرهنگی کاوش‌شده در این کارگاه ۵/۸۰ متر است. در کاوش در این کارگاه به صورت کلی دو دوره فرهنگی با احتمالاً وقفه زمانی مورد شناسایی قرار گرفت. این نکته لازم به ذکر است که ۱/۵ متر از لایه‌های سطح این محوطه توسط حفاران غیرمجاز تسطیح شده است و امکان شناسایی لایه‌های فوقانی این محوطه از بین رفته است. لایه‌های تحتانی این محوطه (کانتکست‌های ۱۰۳۶-۱۰۱۶) معرف دوره فرهنگی باکون میانه (اواخر و اواسط هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد) با سفال‌های نخودی منقوش شاخص این دوره است. این سفال‌ها با یافته‌های حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه‌های شاخص این دوره در منطقه فرهنگی فارس کاملاً قابل مقایسه است؛ هرچند ابعاد کاوش در این دوره اندک بود، ولی می‌توان استقرار این دوره در تل سوزو را متعلق به جوامع نیمه‌یکجانشین دانست که با توجه به شرایط اقلیمی منطقه، در فصول مناسب در این محوطه مستقر می‌شدند. دوره باکون میانی نقطه اوج چند هزار سال توسعه فرهنگی پیش‌ازتاریخ فارس است. در طی این مرحله با وجود تفاوت‌های منطقه‌ای، بخش وسیعی از جنوب ایران از نظر فرهنگ مادی به یکنواختی رسید (Week et al., 2010). در رابطه با پراکنش سفال‌های باکونی در یک چنین حوزه فرهنگی گسترده‌ای از خلیج فارس در جنوب تا کوه‌های بختیاری در شمال و از مرزهای شرقی خوزستان در غرب تا مرزهای غربی کرمان در شرق، فرضیه وجود سفالگران دوره‌گردی مطرح است که مرتب در حال حرکت و جابه‌جایی بودند. آن‌ها با توجه به موقعیت‌های مختلف مکانی، با حفظ ویژگی‌های اصلی و استاندارد این دوره، نقش مایه‌های گوناگون محلی را نیز بر روی سفال طراحی می‌کرده‌اند (Askari et al., 2008: 38; Weeks et al., 2010). دیدگاه دیگر مبتنی بر این است که یک سنتی از روابط برون‌همسری بین روستاییان محلی این دوره با دیگر مناطق وجود داشته که با جابه‌جایی زنان، به نوعی دانش فنی، فرهنگ لغت و گرامر نقوش تزئینی سفال باکون را انتقال داده‌اند (علیزاده، ۱۳۸۳: ۴۸-۴۹)؛ هم‌چنین پدیده قبایل کوچ‌نشین در حمل و مبادله کالاهای تولیدی روستاییان نقش اساسی را بازی می‌کرده است (علیزاده، ۱۳۸۳: Alizadeh, 2003). امروزه نیز استان بوشهر و سواحل شمالی خلیج فارس محل قشلاق ایل قشقایی است؛ به طوری که در موسم قشلاق، این عشایر در تمامی نواحی استان بوشهر و در موسم بیلاق در استان فارس پراکنده می‌شوند (افشارسیستانی، ۱۳۶۹: ۴۳۲). شواهد باستان‌شناختی سوزو نیز این موضوع را تأیید می‌کند.

دوره فرهنگی شناسایی شده در این کاوش، لپویی (کانتکست‌های ۱۰۱۵-۱۰۰۰) است. تاریخ پیشنهادی برای این دوره نیز اواسط هزاره چهارم پیش‌ازمیلاد است. سفال شاخص این دوره ظروف قرمز صیقلی ساده و منقوشی است که در مواردی با نقوش داغ‌دار تزئین شده است. علاوه بر این گونه شاخص، سفال‌های نخودی ساده، خاکستری و دو نمونه سفال شاخص دوره آغازیلامی نیز در

مجموعه سفالی این دوره به چشم می‌خورد. در زیر لایه‌های سطحی نیز با بقایای معماری خشتی و راست‌گوشه‌ای برخورد شد که با توجه به ابعاد اندک کاوش، امکان ارائه کاربری مشخص برای این سازه خشتی وجود ندارد. با توجه به شواهد معماری برخلاف دوره پیشین به نظر می‌رسد استقرار در این دوره به صورت دائم بوده و روابط با نواحی داخلی فارس و خوزستان (با توجه به نمونه‌های دسته‌دماغی شناسایی شده) برقرار بوده است. گاه‌نگاری ارائه شده در این پژوهش، صرفاً نسبی و مقایسه‌ای بوده؛ ولی ارائه تاریخ‌گذاری مطلق با توجه به کمبود مطالعات باستان‌شناسی در دوره پیش از تاریخ در این محدوده، اجتناب‌ناپذیر است که امید است در آینده این امکان فراهم آید.

کتابنامه

- ابراهیمی، نصرالله، (۱۳۸۶). «تحلیل فضایی کاخ‌های هخامنشیان در برازجان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- اسماعیلی‌جلودار، محمداسماعیل، (۱۳۸۷). «گزارش فصل دوم کاوش باستان‌شناسی سیراف». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- افشارسیستانی، ایرج، (۱۳۶۹). نگاهی به بوشهر. جلد اول، تهران: نسل دانش.
- بختیاری، حسین، (۱۳۵۳). نکاتی از جغرافیای تاریخی و باستان‌شناسی سیراف. بوشهر: انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر استان بوشهر.
- پزار، موریس، (۱۳۸۴). مأموریت در بندر بوشهر، گزارش حفاری‌ها و مطالعات باستان‌شناسی. ترجمه سیدضیاء مصلح، بوشهر، انتشارات شروع.
- توفیقیان، حسین، (۱۳۹۳). «تحلیل معماری بندر باستانی سیراف در بخش ساحلی با تکیه بر مطالعات باستان‌شناسی زیرآب». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۶، شماره ۱، صص: ۲۱-۳۸.
- خانی‌پور، مرتضی (۱۳۹۴). «گزارش نخستین فصل بررسی باستان‌شناسی بخش مرکزی و مزایجان بوانات». آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- زارع، موسی؛ و ابوالاحرار، علیرضا، (۱۳۸۹). «گزارش کاوش باستان‌شناسی تپه میانرود، فارس». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- سرداری‌زارچی، علیرضا، (۱۳۹۰). «تحلیل پیچیدگی‌های اجتماعی-اقتصادی فرهنگ‌های شمال فارس (اقلید) در دوره مس‌وسنگ براساس کاوش‌های تپه مهرعلی». رساله دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- سرداری‌زارچی، علیرضا؛ و طاهری، محمدحسین، (۱۳۹۴). «کاوش تپه مشکریم سمیرم». مجموعه مقالات کوتاه سالانه باستان‌شناسی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- سرفراز، علی‌اکبر، (۱۳۵۰). «کشف کاخی از عهد کورش کبیر در ساحل خلیج فارس». مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، اداره کل باستان‌شناسی و فرهنگ عامه، شماره ۷ و ۸، صص: ۱۹-۳۲.
- سرفراز، علی‌اکبر، (۱۳۸۵). «گزارش پنجمین فصل از کاوش‌های کاخ چرخاب برازجان». بوشهر: مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر (منتشر نشده).
- طاهری، محمدحسین، (۱۳۹۴). «بررسی تعاملات فرهنگی اجتماعات دوره مس‌وسنگ منطقه سمیرم براساس کاوش تل مش‌کریم». پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- عزیزی‌خرانقی، محمدحسین، (۱۳۸۶). «گاه‌نگاری مقایسه‌ای و سبک‌شناسی سفال‌های رحمت‌آباد فارس». پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- عزیزی‌خرانقی، محمدحسین، (۱۳۹۵). «گزارش نخستین فصل گمانه‌زنی به منظور تعیین

عرصه و پیشینه‌ها در حیریم و کاوش تل سوزو، شهرستان دشتستان، استان بوشهر». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

- عزیز خرنقی محمدحسین؛ خانی‌پور، مرتضی؛ خسروی، سلمان؛ رازی، سروش؛ بارانی، وحید؛ و آذریان، مهدی، (۱۳۹۱). «گزارش نخستین فصل گمانه‌زنی محوطه پیش‌ازتاریخی چهار روستایی». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

- عزیز خرنقی، محمدحسین؛ ابراهیمی، نصرالله؛ و خانی‌پور، مرتضی، (۱۳۹۳). «کاوش باستان‌شناختی محوطه چهار روستایی بوشهر». مقاله‌های کوتاه دوازدهمین گردهم‌آیی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران: پژوهشگاه میراث‌فرهنگی.

- عزیز خرنقی، محمدحسین، (۱۳۹۹). «سواحل شمالی خلیج فارس (استان بوشهر) در هزاره پنجم ق.م». همایش بین‌المللی مجازی باستان‌شناسی ایران و مناطق همجوار، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.

- عزیز خرنقی، محمدحسین؛ ابراهیمی، نصرالله؛ و آذریان، مهدی؛ (۱۳۹۹). «محوطه‌های باکونی در سواحل شمالی خلیج فارس، استان بوشهر». دریای پارس به روایت باستان‌شناسی (مجموعه مقالات)، گردآورندگان: جبرئیل نوکنده، عبدالرضا دشتی‌زاده، ام‌البنین غفوری، صص: ۴۸-۶۹.

- علیزاده، عباس، (۱۳۸۳). «گزارش مقدماتی پژوهش‌های باستان‌شناسی در فازهای پیش‌ازتاریخ مرودشت: گمانه‌زنی در تل‌های باکون، موشکی و جری». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

- کرمی، محمد، (۱۳۹۳). «بازتاب توسعه اقتصادی-سیاسی در شمال فارس طی هزاره پنجم قبل‌ازمیلاد (براساس کاوش‌های اخیر دره بلاغی)». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان، تهران: دانشگاه تهران، صص: ۱۴۰-۱۲۷.

- کریمی‌ان، حسن؛ سرفراز، علی‌اکبر؛ و ابراهیمی، نصرالله، (۱۳۸۹). «بازیابی کاخ‌های هخامنشیان در برازجان با اتکاء به داده‌های باستان‌شناسی». مجله باغ‌نظر، سال ۷، شماره ۱۴، صص: ۴۵-۵۸.

- یغمایی، اسماعیل (احسان)، (۱۳۸۳). «گزارش کاوش کاخ بردک سیاه». بوشهر: مرکز اسناد اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان بوشهر (منتشر نشده).

- Afshar Sištani, I., (1990). *A Look at Bushehr*. Volume One, Tehran: Nasl-e Danesh publication.

- Alden, J. R., (2003). "Appendix D: Excavations at Tal-e Kureh". In: Sumner, W. M. (ed.), *Early Urban Life in the Land of Anshan: Excavations at Tal-e Malyan in the Highlands of Iran*, Pp: 187-198, University of Pennsylvania Museum of Archaeology and Anthropology: Philadelphia.

- Alizadeh, A., (2003). "Some observations based on the nomadic character of Fars prehistoric cultural development". In: Miller, N. F. and Abdi, K. (eds), *Yeki Bud, Yeki Nabud: Essays on the Archaeology of Iran in Honor of William M. Sumner*. Pp: 83-97. The Cotsen Institute of Archaeology: Los Angeles. 265.

- Alizadeh, A., (2004). "Preliminary Report of Archaeological Research in the Prehistoric Phases of Marvdasht: excavations in the Bakun, Mushki and Jari". Tehran, Archaeological Research Institute Documentation Center (unpublished).

- Asgari Chaverdi, A.; Petrie, C. & Taylor, H., (2008). "Early village settlements on

the Persian Gulf littoral: revisiting Tol-e Pir and the Galehdar valley”. *IRAN*, No. 46, Pp: 21–42.

- Azizi Kharanaghi, H.; Fazeli Nashli, H. & Nishiaki, Y., (2013). “Tepe Rahmatabad: a Pre-Pottery and Pottery Neolithic Site in Fars Province”. In: *Neolithisation of Iran –The Formation of New Societies*, edited by R. Matthews and H. Fazeli Nashli, Pp: 108–123. Oxford: Oxbow Books.

- Azizi Kharanaghi, M, H., (2007). “Comparative Chronology and Stylistics of Rahmatabad Fars Pottery”. Master Thesis in Archeology, University of Tehran (unpublished).

- Azizi Kharanaghi, M, H., (2015). “Report of the first season of excavation to determine the core and buffer zone of Tel-e Suzo, Dashtestan district, Bushehr province”. Tehran: Documentation Center of the Archaeological Research Institute (unpublished).

- Azizi Kharanaghi, M, H., (2020). “North shores of the Persian Gulf (Bushehr province) in the fifth millennium B.C.”. *International Virtual International Conference on Archeology of Iran and Neighboring Areas*, Zahedan: Sistan and Baluchestan University.

- Azizi Kharanaghi, M, H.; Ebrahimi, N & Azarian, M., (2020). “Bakun sites on the northern shores of the Persian Gulf, Bushehr province”. *The Persian Sea According to Archeology*, Collectors: Jibril Nokandeh, Abdolreza Dashtizadeh, Amolbinin Ghafouri, Pp: 69-48.

- Azizi Kharanaghi, M, H.; Ebrahimi, N & Khanipour, M., (2014). “Archaeological excavations of the Chahar Roustaei, Bushehr”. *Short articles of the 12th Annual Archaeological Conference of Iran*, Tehran: Cultural Heritage Research Institute.

- Azizi Kharanaghi, M, H.; Khanipour, M.; Khosravi, S.; Razi, S.; Barani, V. & Azarian, M., (2012). “Report of the first season of excavation in Chahar Roustaei”. Tehran: Documentation Center of the Archaeological Research Institute (unpublished).

- Bakhtiari, H., (1974). *Notes on the historical geography and archeology of Siraf, Bushehr*. Publications of the General Directorate of Culture and Arts of Bushehr Province.

- Bernbeck, R.; Fazeli, H. & Pollock, S., (2005). “life in a fifth-millennium BCE village: excavations at Rahmatabad, Iran”. *Near Eastern Archaeology*, No. 68, Pp: 94–105.

- Carter, R. A.; Challis, K.; Priestman, S. M. N. & Tofighian, H., (2006). “The Bushehr hinterland: results of the first season of the Iranian-British archaeological survey of Bushehr province, November–December 2004”. *IRAN*, No. 44, Pp: 63–103.

- Ebrahimi, N., (2007). “Spatial Analysis of Achaemenid Palaces in Borazjan”. Master Thesis in Archeology, University of Tehran (unpublished).

- Egami, N. & Seiiche Masuda, S., (1962). “Marv Dasht I: The Excavations at Tall-i Bakun, 1956”. *The Tokyo University Iraq-Iran Archaeological Expedition, Report 2*, Tokyo: The University of Tokyo.

- Egami, N. & Sono, T., (1962). “Marv-Dasht”. Volume 2: *The Excavation at Tall-i-Gap 1959. Tokyo University Iraq-Iran archaeological expedition reports 3*. Tokyo: institute of oriental culture of the University of Tokyo.

- Goff, C., (1963). "Excavations at Tall-i Nokhodi". *IRAN*, No. 1, Pp: 43–70.
- Goff, C., (1964). "Excavations at Tall-i Nokhodi, 1962". *IRAN*, No. 1, Pp: 41–52.
- Gotch, P., (1968). "A Survey of the Persepolis Plain and Shiraz Area". *IRAN*, No. VI, Pp: 168-170.
- Helwing, B. & Seyedin, M., (2007). "Symposium on the latest Results of Archaeological excavations at Tang-e Bolaghi". In: *Prehistoric Settlements in Bulaghi Valley: Iranian/German Rescue Excavations at Sites DB91, DB119, DB73 and DB131, Abstracts*, Pp: 12–13, Tehran: Iranian center for archaeological research.
- Helwing, B. & Seyedin, M., (2010). "Bakun-period Sites in Darre-ye Bolaghi, Fars". In: *Beyond the Ubaid: Transformation and Integration in the Late Prehistoric Societies of the Middle East*. R.A. Carter and G. Philip (eds.) Pp: 277–292. Studies in Ancient Oriental Civilization. Chicago: Oriental Institute of the University of Chicago.
- Ismaili Jalodar, M., (2008). "Report of the second chapter of Siraf archeological excavation". Tehran: Archaeological Research Institute Documentation Center (unpublished).
- Karami, M., (2014). "Reflection of economic-political development in northern Persia during the fifth millennium BC (based on recent excavations in the Bolaghi Valley)". *Proceedings of the International Conference of Young Archaeologists*, Tehran: University of Tehran, Pp: 140-127.
- Karimian, H.; Sarfaraz, A. A. & Ebrahimi, N., (2010). "Restudy of Achaemenid palaces in Borazjan based on archaeological data". *Baghnazar Magazine*, Vol. 7, No. 14, Pp: 58-45.
- Khanipour, M., (2015). "Report of the first chapter of the archeological study of the central part and the benefits of Bavanat". Archive of the Archaeological Research Institute (unpublished).
- Langsdorff, A. & McCown, D. E., (1942). *Tall-i-Bakun A: Season of 1932*. Oriental Institute Publications, LIX, University of Chicago Press, Chicago.
- Petrie, C. A.; Sardari, A. & Javanmard Zadeh, A., (2007). "Developing societies and economies in the 4th millennium BC: Further Excavations at Tol-e Spid". *IRAN*, Vol. 45. Pp: 301–309.
- Petrie, C. A., (2011). "Culture: ' innovation and interaction across southern Iran from the Neolithic to the Bronze Age (6500-3000 BC)". In: *Investigating archaeological cultures: Material culture, variability and transmission*, ed. B. Roberts and M. Vander Linden, Pp: 151-82, New York: Springer.
- Petrie, C. A., (2013). "The Chalcolithic in southern Iran". In: Potts, D. (ed.), *The Oxford Handbook of ancient Iran*, Oxford university Press, Pp: 120-160.
- Pezar, M., (2005). *Mission in Bushehr Port, Report of Excavations and Archaeological Studies*. Translated by Seyed Zia Mosleh, Bushehr, Shoro Publications.
- Pollock, S.; Bernbeck, R. & Abdi, K., (2010). *The 2003 Excavation at Tol-e Bshi, Iran: Social Life in a Neolithic Village, Deutsches Archäologisches Institut Eurasien-Abteilung Aussenstelle Tehran*. Archäologie in Iran und Turan, Band 10.

- Potts, D. T. & Roustaie, K., (2006). *The Mamasani Archaeological Project Stage One: A Report on the First Two Seasons of the ICAR University of Sydney Joint Expedition to the Mamasani District, Fars Province, Iran*. Tehran: Iranian center for archaeological research.
- Sardari Zarchchi, A. & Taheri, M. H., (2015). "Excavation at Tepe Meshkarim Semirom". Proceedings of short archeological papers, Tehran: Cultural Heritage Research Institute.
- Sardari, A.; Fazeli Nashli, H.; Hejebri Nobari, A. & Khatib Shahidi, H., (2011). "Northern Fars in the Bakun Period: Archaeological Evidence from the Eghlid District". *Archäologische Mitteilungen aus Iran und Turan (AMIT)*, Vol. 43, Pp: 239-260.
- Sardari, Zarchchi, A., (2011). "Analysis of socio-economic complexities of the cultures of northern Persia (Eghlid) in the Chalcolithic period based on the excavations of Mehr Ali hill". Ph.D. thesis in archeology, Tarbiat Modares University (unpublished).
- Sarfaraz, A. A., (1971). "Discovery of a palace from the time of Cyrus the Great on the shores of the Persian Gulf". *Iranian Journal of Archeology and Art, Publications of the Ministry of Culture and Arts, General Directorate of Archeology and Public Culture*, Nos. 7 and 8, Pp: 19-32.
- Sarfaraz, A. A., (2006). "Report of the fifth seasons of the excavations of Charkhab Borazjan Palace". Bushehr: Documentation Center of the General Directorate of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Bushehr Province (unpublished).
- Schmidt, E. F., (1939). "Tall-i Bakun". In: *The Treasury of Persepolis and Other Discoveries in the Homeland of the Achaemenians*, Oriental Institute Communications No. 21, University of Chicago Press, Chicago, Pp: 121-129.
- Sumner, W. M., (1972). "Cultural Development in the Kur River Basin, Iran: An Archaeological Analysis of Settlement Patterns". Ph.D. dissertation, University of Pennsylvania.
- Sumner, W. M., (1986). "Proto-Elamite Civilisation in Fars", In: *Gamdat Nasr: Period of Regional Style?*, (Eds. Finkbeiner, U. and Rollig, W.), Beihefte zum Tubinger Atlas des Vorderern Orients, 62, Ludwig Reichert, Wiesbaden, Pp: 199-211.
- Sumner, W. M., (1989). "Anshan in the Kaftari Phase: Patterns of Settlement and Land Use". In: *Archaeologia Iranica et Orientalis: Miscellanea in Honorem Louis Vanden Berghe*, (Eds. De Meyer, L. and Haerinck, E.), Gent, Pp: 135-161.
- Taheri, M. H., (2015). "Study of cultural interactions of communities of the Semirom area during the excavation of Tel Mashkarim". M.Sc. Thesis in Archeology, University of Tehran (unpublished).
- Tawfiqian, H., (2014). "Architectural analysis of the ancient port of Siraf in the coastal sector based on underwater archaeological studies". *Archaeological Studies*, Vol. 6, No. 1, Pp: 38-21.
- Vanden Berghe, L., (1954). *Archaeologische Navorsingen in De Omstreken Van Persepolis*. Jaarbericht Ex Oriente Lux 13, Pp: 394-408.
- Weeks, L.; Petrie, C. A. & Potts, D. T., (2010). "Ubaid- Related- Related? The

“Black-On-Buff” Ceramic Traditions of Highland Southwest Iran”. In: Robert A. Carter and Graham Philip, (eds) *Beyond the Ubaid, Studies in Ancient Oriental Civilization*, No. 63, Oriental Institute of University of Chicago, Chicago.

- Weeks, L.; Alizadeh, K.; Niakan, L.; Alamdari, K.; Zeidi, M.; Khosrowzadeh, A., McCall, A. & McCall, A. B., (2006). “The Neolithic Settlement of Highland SW Iran: New evidence from The Mamasani District”. *Journal of Persian studies (IRAN)*, Vol: XLIV, Pp: 1- 32.

- Whitehouse, D., (1974). “Report Excavation at Siraf: Sixth Interim Re-port”. *IRAN*, Vol. XII, Pp: 1-30.

- Yaghmaei, I., (Ehsan) (2004). “Bardak Sia Palace Excavation Report”. Bushehr: Documentation Center of the General Directorate of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Bushehr Province (unpublished).

- Zare, M. & Abolharar, A., (2010). “Archaeological excavation report of Tepe Mianroud, Fars”. Tehran: Archaeological Research Institute Documentation Center (unpublished).

